



۲. روش تقطیع هجایی:

- الف) خوانش درست و نوشتن به خط عروضی
ب) مشخص کردن پایه‌های هجایی (تقطیع هجایی)
پ) نشانه‌گذاری هجاها (براساس کوتاه - بلند - کشیده)
ت) دسته‌بندی هجاها براساس نظمی که بین نشانه‌ها هست (تقطیع به ارکان) (به‌صورت ۳ تا ۳ تا - ۳ تا ۴ تا - ۴ تا ۴ تا)
ث) نام‌گذاری ارکان (پایه‌های آوایی)

تشبیه

درس
سوم

پیشخوان

سال گذشته آرایه‌هایی را خواندیم که در هوزة بریغ لفظی می‌کنند؛ مثل واج‌آرایی، سجع و ...، اما امسال آرایه‌های مربوط به هوزة بیان را بررسی می‌کنیم؛ یعنی تشبیه، استعاره، میاژ و کنایه. برویم سراغ تشبیه.

تشبیه: ادعای همانندی میان دو یا چند چیز.
دانا چو طبله عطار است؛ خاموش و هنرنمای.

ریز و تیز

اگر در تعریف «تشبیه» ریز شوید و دقت کنید، به عبارت «ادعای همانندی» برمی‌خورید؛ یعنی در جمله‌هایی که حقیقتاً بین دو چیز همانندی هست، تشبیهی وجود ندارد؛ مثلاً در جمله «علی مانند برادرش پیراهن قرمز پوشیده است.» از نظر زیبایی‌شناسی آرایه تشبیه نداریم (انصافاً هیچ زیبایی‌ای ایجاد نمی‌کند؛ پس نباید هم آرایه محسوب شود).

اجزای تشبیه (پایه‌ها یا ارکان تشبیه)

الف) ارکان اصلی (نمی‌توانند حذف شوند).

۱. مشبه: پدیده‌ای که آن را به پدیده دیگر مانند می‌کنیم. (دانا در مثال بالا)
۲. مشبه‌به: پدیده‌ای که مشبه را به آن مانند می‌کنیم. (طبله عطار در مثال بالا)

ب) ارکان غیراصولی (می‌توانند حذف شوند، اما تشبیه همچنان بماند).

۱. وجه‌شبه: ویژگی مشترک میان مشبه و مشبه‌به. (خاموش و هنرنا بودن در مثال بالا)
* وجه‌شبه در مشبه‌به پررنگ‌تر و آشکارتر است.
* برای پیدا کردن وجه‌شبه، ویژگی‌های برجسته مشبه‌به را در نظر بگیرید.
۲. ادات تشبیه: واژه‌ای که برای بیان شباهت به کار می‌رود. برخی از ادات عبارت‌اند از:
چو، همچو، مثل، مانند، به‌سان، به‌کردار، گویی که، وَش، سا، وار و ... (سه مورد اخیر پسوند هستند و به مشبه‌به می‌چسبند).



ریز و تیز

«جو» و «چون» گاهی معنی «هنگامی که» و گاهی معنی «زیرا» دارند؛ در این صورت ادات تشبیه نیستند.

چهار رکن تشبیه در مثال:

و	او	به شیوه	باران	پر از طراوت تکرار بود
مشبه	ادات تشبیه	مشبه به	وجه شبه	

انواع تشبیه از نظر ارکان

۱. تشبیه گسترده

تشبیهی که هر چهار رکن یا حداقل سه رکن را داشته باشد؛ مانند:

«مرا در دل درخت مهربانی به چه ماند به سرو بوستانی»

۲. تشبیه فشرده (بلیغ)

تشبیهی که فقط مشبه و مشبه به دارد و بر دو گونه است.

۱. تشبیه اضافی (مضاف و مضاف الیه): چراغ دانش - لب لعل
همان طور که می بینید در این نوع از تشبیه، مضاف و مضاف الیه هر کدام می توانند مشبه باشند یا مشبه به.

۲. تشبیه غیراضافی } درون واژه ای: گلچهره، ماه رخ
اسنادی: عشق، آتش است.



پاس گل

۱. اگر بتوانید بین مضاف و مضاف الیه، ادات تشبیه بگذارید و تشبیه بسازید، اضافه تشبیهی دارید.

۲. در جمله اسنادی اگر بتوانید بین مُسند و مسندالیه، ادات تشبیه بگذارید و تشبیه بسازید، با تشبیه اسنادی مواجهید.



* تشبیه براساس رابطه مشبه با مشبه به یا نوع آن‌ها (مفرد یا مرکب - حسی یا عقلی) نیز انواع گوناگونی دارد که در کتاب درسی نیامده، اما مختصری از آن‌ها بچشید بد نیست.

الف) تشبیه تفضیل: وقتی مشبه در داشتن وجه شبه بر مشبه به برتری داده می شود؛ مثال: تو از ماه زیباتری!

مثال شعری:

«تشبیه دهانت نتوان کرد به غنچه هرگز نبود غنچه بدین تنگ دهانی»

**۱۸۹. پایه‌های آوایی کدام مصراع به‌درستی مشخص نشده است؟**

- ۱ خَرَم آن روز کز این مرحله بریندم بار: خُرَم آن روز / گزین مَر / حَلِ بَر بَن / دَم بار
- ۲ برخیز و به جام باده کن عزم درست: برخیزُ / به جام با / دِ گُن عَزَم / دُرُست
- ۳ همی‌نالد از مرگ اسفندیار: همی نا / لَدَز مَر / گِ اسفن / دِ یار
- ۴ هشیار کجا داند بیهوشی مستان را: هشیار / کجا داند / بی‌هوشِ / یِ مستان را

۱۹۰. تعداد پایه‌های آوایی کدام گزینه با بیت زیر برابر است؟

«ای خواجه خوش‌دامن، دیوانه تویی یا من درکش قدحی با من بگذار ملامت را»

- ۱ پای سرو بوستانی در گل است سرو ما را پای معنی در دل است
- ۲ عنکبوتی را به حکمت دام داد صدر عالم را درو آرام داد
- ۳ گرفتم آتش پنهان روا نمی‌داری نگاه می‌کنی آب چشم پیدا را
- ۴ بلم آرام چون قویی سبکیار به‌نرمی بر سر کارون همی‌رفت

۱۹۱. در کدام بیت «تشبیه» به کار رفته است؟

- ۱ چشمه خورشید تویی، سایه‌گه بید منم چون که زدی بر سر من پست و گدازنده شدم
- ۲ هرچه به گرد خویشان می‌نگرم در این چمن آینه ضمیر من جز تو نمی‌دهد نشان
- ۳ خانه دل ما را از کرم عمارت کن پیش از آنکه این خانه رو نهد به ویرانی
- ۴ از لعل تو گر یابم انگشتی زنهار صد ملک سلیمانم در زیر نگیں باشد

۱۹۲. «ارکان فرعی تشبیه» در کدام بیت محذوف است؟

- ۱ روز چو شمعی به شب زودرو و سرفراز شب چو چراغی به صبح، کاسته و نیم‌تاب
- ۲ خداوندا شبم را روز گردان چو روزم بر جهان پیروز گردان
- ۳ برق با شوقم شراری بیش نیست شعله طفل نی‌سواری بیش نیست
- ۴ خردمند را دل بر او برسوخت به‌کردار آتش رخس برفروخت

۱۹۳. نوع تشبیه در کدام بیت متفاوت است؟

- ۱ نوشدارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی سنگدل این زودتر می‌خواستی حالا چرا؟
- ۲ طبعم از لعل تو آموخت دُرُافشانی‌ها ای رخت چشمه خورشید درخشانی‌ها
- ۳ شهریار آمده با کوبه گوه‌ر اشک به‌گدایی تو ای شاهد طنّاز امشب
- ۴ این برگ‌های زرد چمن نامه‌های اوست وین بادهای سرد خزان پیک راهش است

۱۹۴. در کدام گزینه تشبیه‌های بیشتری به کار رفته است؟

- ۱ باز کن نغمه جانسوزی از آن ساز امشب تا کنی عقده اشک از دل من باز امشب
- ۲ مرغ دل در قفس سینه من می‌نالد بلبل ساز تو را دیده هم‌آواز امشب
- ۳ گرد شمع رخت ای شوخ من سوخته‌جان پر چو پروانه کنم باز به پرواز امشب
- ۴ گلبن نازی و در پای تو با دست نیاز می‌کنم دامن مقصود پر از ناز امشب

(تهری ۹۳)

۱۹۵. «مشبه» در کدام گزینه ذکر نشده است؟

- ۱ قهوه‌خانه گرم و روشن بود همچون شرم چوب‌دستی منتشامانند در دستش
- ۲ گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مروارید / پای تا سر گوش
- ۳ چاه چونان ژرفی و پهناش، بی‌شرمیش ناباور / و غم‌انگیز و شگفت‌آور

۳۰۴. همه موارد از ویژگی‌های عمده نثر فارسی در سبک عراقی است؛ به جز:

- ۱ حذف افعال به قرینه - کاربرد لغات مهجور
- ۲ رواج نثر داستانی، تمثیلی و عرفانی - اطناب
- ۳ استفاده از آرایه‌های ادبی در نثر - استفاده از ترکیبات دشوار
- ۴ کاربرد فراوان آیات، احادیث و اشعار در متن - کوتاهی جملات

۳۰۵. سبک کدام یک از ابیات زیر با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

- | | |
|-----------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱ گر کند میل به خوبان دل من عیب مکن | کاین گناهیست که در شهر شما نیز کنند |
| ۲ چون گنهاری که هر ساعت از او عضوی برند | چرخ سنگین دل ز من هر دم کند یاری جدا |
| ۳ خصم سرکش شود از راه تحمل مغلوب | خاک خاموش به از آب کند آتش را |
| ۴ از تو همین تواضع عامی مرا بس است | در هفته‌ای جواب سلامی مرا بس است |

۳۰۶. بیتی که نام سراینده آن درست ذکر شده، مربوط به کدام سبک شعر فارسی است؟

- | | |
|---------------------------------------------|---------------------------------------|
| الف) یارب از عرفان مرا پیمانه‌ای سرشار ده | چشم بینا، جان آگاه و دل بیدار ده |
| ب) مرا گه‌گه به دردی یاد می‌کن | که دردت مرهم جان می‌نماید |
| پ) تو سرو جویباری، تو لاله بهاری | تو یار غمگساری، تو حور دلربایی |
| ت) مابه‌غم خو کرده‌ایم ای دوست مارا غم فرست | تحفه‌ای کز غم فرستی نزد ما هر دم فرست |

- ۱ خراسانی ۲ آذربایجانی ۳ عراقی ۴ هندی

۳۰۷. انتساب چند اثر به پدیدآورنده آن «غلط» آمده است؟

- (مجالس المؤمنین: شیخ بهایی)، (حبیب‌السیر: خواندمیر)، (جامع عباسی: اسکندر بیگ ترکمان)، (عین‌الحیات: علی بن حسین واعظ کاشفی)، (محکامة اللغتين: سلطان حسین بایقرا)، (تحفة الاحرار: جامی)، (صدپند: خواجه عبدالله انصاری)، (المعجم فی معاییر اشعار العجم: شمس قیس رازی)، (رساله دلگشا: عبید زاکانی)، (عشاق‌نامه: فخرالدین عراقی)

- ۱ سه ۲ چهار ۳ پنج ۴ شش

۳۰۸. پدیدآورندگان «مکاتیب، صدپند، نفحات الانس، عشاق‌نامه» به ترتیب خالق آثار نیز هستند.

- ۱ مجالس سبعة، رساله دلگشا، بهارستان، لمعات
- ۲ فیه ما فیه، تاریخ گزیده، تحفة الاحرار، جامع التواریخ
- ۳ مثنوی معنوی، اخلاق الاشراف، تذکرة الاولیا، تاریخ جهانگشا
- ۴ دیوان شمس، موش و گربه، مرصادالعباد، جمشید و خورشید

۳۰۹. سبک نوشتاری چند اثر به ترتیب «هندی» و «عراقی» است؟

- «محبوب‌القلوب، بدایع الوقایع، عشاق‌نامه، جمشید و خورشید، عیار دانش، شرفنامه بدلیسی، مجالس المؤمنین، جامع التواریخ، فیه ما فیه، انوار سهیلی، تاریخ گزیده، اخلاق الاشراف»

- ۱ چهار - هشت ۲ پنج - هفت ۳ شش - شش ۴ هفت - پنج

۳۱۰. در کدام تشبیه وجه شبه ذکر نشده است؟

- | | |
|------------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱ چون مار زخم خورده دل افتد به پیچ و تاب | هرگه که یاد طره پیچان کند تو را |
| ۲ چون رخ من شده است رنگ زمین | چون دم من شده است طبع زمان |
| ۳ جهان چون نی هزاران ناله دارد | که یک نی دید از شکرستانی |
| ۴ در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع | شب‌نشین کوی سربازان و رندانم چو شمع |

۱۸۰. **گزینه ۳** در این بیت شاعر توصیه می‌کند که از ظاهر (صورت) پی به معنی ببریم و اهل ظاهر نباشیم اما سخن از «دورویی و تزویر» نیست. مفهوم سایر ابیات به درستی ذکر شده است.

۱۸۱. **گزینه ۳** سبک عراقی از اوایل قرن هفتم تا اوایل قرن دهم به مدت ۳۰۰ سال سبک غالب متون ادب فارسی بود.

۱۸۲. **گزینه ۲** «دولتشاه سمرقندی» از نویسندگان معروف این دوره است؛ نه از شاعران (عبید زاکانی هم شاعر و هم نویسنده معروف این دوره است).

۱۸۳. **گزینه ۴** «خردگرایی» از مضامین عمده «سبک خراسانی» است که در سبک عراقی جای خود را به بیان احساسات و عواطف (عشق‌گرایی) می‌دهد.

۱۸۴. **گزینه ۲** در این دوره شاعران از حاکمان روی برتافتند و شعر به جای آنکه در خدمت ستایش فرمانروایان باشد، از معانی عمیق انسانی و آسمانی برخوردار شد.

نکته تست: در شعر این دوره همچنان اشعاری ستایش‌آمیز دیده می‌شود، اما این مضمون دیگر جزء مضامین عمده و اصلی شعر به شمار نمی‌آید.

۱۸۵. **گزینه ۲** شاعری که در اصفهان به دست مغولان کشته شد، «کمال‌الدین اسماعیل» بود که بیت ذکر شده در گزینه «۲» از اوست.

بیت گزینه «۱» از «کلیم کاشانی»، گزینه «۳» از «شیخ بهایی» و گزینه «۴» از «خاقانی» است.

۱۸۶. **گزینه ۱**

ترفند برای پاسخ به این گونه تست‌ها باید از روش سماعی استفاده کنید. مصراع یا بیت را با صدای بلند بخوانید و به ریتم خوانش خود دقت کنید.

آهنگ خوانش مصراع سؤال «تَن تَن تَن، تَن تَن تَن، تَن تَن» (معادل «فاعلاتن مفاعیلن فعلن») است، همین آهنگ در مصراع گزینه «۱» هم احساس می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه‌های «۲» و «۳»: تَن تَن تَن، تَن تَن تَن، تَن تَن تَن (معادل «مفعول مفاعیل مفاعیل فعل») / گزینه «۴»: تَن تَن تَن، تَن تَن تَن، تَن تَن (معادل «فاعلاتن، فاعلن»)

۱۸۷. **گزینه ۲** اگر به خوانش درست این مصراع دقت کنید، متوجه حذف همزه در آن می‌شوید. پس از حذف همزه، مصوت بلند «ا» به صامت پیش از خود می‌پیوندد؛ بنابراین نشانه‌گذاری درست آن چنین می‌شود: UU- UU- UU- UU- - - -

۱۸۸. **گزینه ۲** عبارت مشخص شده در صورت سؤال از یک هجای بلند (خُش) و یک هجای کشیده (باش) تشکیل شده و آهنگ برخاسته از آن معادل (U-) است. این آهنگ تنها در عبارت گزینه «۲» دیده می‌شود: زیرا که U- = - - U.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: آندوه مَخور: - UU- / گزینه «۳»: تَرَسَم تا: - - - / گزینه «۴»: آفسوس کی: - UU

۱۸۹. **گزینه ۱** در این گزینه، دو پایه آوایی نخست نادرست مشخص شده‌اند. پایه‌های آوایی این مصراع باید به این صورت بیابند: حُرَّ رَمَانِ رُو / زَک زین مَر / حَ لِ بَرِ بِن / دَم بار

۱۹۰. **گزینه ۳** بیت سؤال از هشت رکن یا همان پایه آوایی تشکیل شده است (در هر مصراع ۴ رکن): ای خا ج / ی خُش دا مَن / دی وا ن / تُ یی یا مَن / دَر کِش ق / دَ حی با مَن / بگ ذا ر / مَ لا مت را

در گزینه «۳» نیز ۴ رکن در هر مصراع وجود دارد:

گِ رِف تِ ما / تِ شِ پِن هان / رَو اِنِ می / دا ری

نِ گاهِ می / نَ کُ نیِ اءِ / بِ چَش مِ پی / دا را

ابیات سایر گزینه‌ها هر کدام ۶ رکن دارند (در هر مصراع ۳ رکن).

۱۹۱. **گزینه ۴** در این گزینه تشبیهی دیده نمی‌شود («لعل» استعاره از «لب»، «انگشتری زنهار» اضافه اقترانی).

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: دو تشبیه اسنادی در مصراع اول وجود دارد: تو ← چشمه خورشید، من ← سایه‌گه بید / گزینه «۲»: «آینه ضمیر» اضافه تشبیهی است (تشبیه بلیغ). / گزینه «۳»: «خانه دل» اضافه تشبیهی است (تشبیه بلیغ).

۱۹۲. **گزینه ۳** در این گزینه «برق» به «شرار» و «شعله» به «طفل نی‌سوار» تشبیه شده است (تشبیه بلیغ اسنادی)، اما ادات و وجه‌شبهه (که رکن‌های فرعی تشبیه هستند) محذوف‌اند. در سایر گزینه‌ها «ادات» و «وجه‌شبهه» مشهود است. (در گزینه «۴» «به کردار» ادات تشبیه و «برافروختن» وجه‌شبهه است).

۱۹۳. **گزینه ۳** در این گزینه «گوهر اشک»، «اضافه تشبیهی» است، اما در سایر گزینه‌ها تشبیه اسنادی دیده می‌شود: گزینه «۱»: نوشدارویی (تشبیه «تو» به «نوشدارو») (در این گزینه «سنگدل» هم می‌تواند علاوه بر مفهوم کنایی، تشبیه درون‌واژه‌ای به حساب آید). / گزینه «۲»: ای [کسی که] رخ تو چشمه خورشید [است] ← تشبیه اسنادی. / گزینه «۴»: «برگ‌های چمن، نامه‌های اوست» و «بادهای سرد خزان، بیک راه اوست» ← تشبیه اسنادی.

۱۹۴. **گزینه ۲** در این گزینه سه تشبیه به کار رفته و هر سه «اضافه تشبیهی»‌اند: مرغ دل، قفس سینه و بلبل ساز.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: یک تشبیه دارد: عقده اشک (اضافه تشبیهی: اشک به عقده (گره)). / گزینه «۳»: دو تشبیه دارد: شمع رخ (اضافه تشبیهی: رخ به شمع) - من چو پروانه (تشبیه گسترده). / گزینه «۴»: یک تشبیه دارد: گلبن نازی (تشبیه اسنادی: تو مانند گلبن ناز هستی) و در این گزینه «دست نیاز» اضافه اقترانی و «دامن مقصود» اضافه استعاری است.

۱۹۵. **گزینه ۳** در این گزینه «مردمان تماشاگر» (همگنان) مشبه است که نیامده. در گزینه «۱» «قهوه‌خانه»، در گزینه «۲» «چوب‌دستی» و در گزینه «۴» «بی‌شرمی چاه» مشبه هستند و به ترتیب به «شرم»، «منتشا» و «زرفی و پهنای چاه» تشبیه شده‌اند.

۱۹۶. **گزینه ۴** این مورد، نتیجه توجه شاعران به معانی عمیق انسانی و آسمانی و رویگردانی آنان از حاکمان بود.

* درباره انتقال مرکزیت فرهنگی از خراسان باید گفت: اگرچه از زمان سلجوقیان تغییراتی آغاز شده بود؛ اما با حمله مغول، خراسان به کلی ویران شد و کانون‌های فرهنگی از خراسان به عراق عجم انتقال یافت.

۱۹۷. **گزینه ۲** می‌دانیم که در این دوره دو جریان در نثر فارسی بود: یکی ساده‌نویسی و دیگری پیچیده‌نویسی. «طبقات ناصری» و «مرصادالعباد» دو نمونه از آثار جریان «ساده‌نویسی» هستند. «المعجم» نیز به جز در مقدمه نثری ساده دارد، اما «تاریخ جهانگشا» با نثری مصنوع و دشوار جزء جریان «پیچیده‌نویسی» است.

۱۹۸. **گزینه ۱** از آنجا که قالب «مثنوی» مناسب سرودن داستان است و «جمشید و خورشید» هم به تقلید از داستان‌های نظامی سروده شده، به راحتی می‌توانید به نادرست بودن عبارت «در قالب قصیده» پی ببرید. سایر گزینه‌ها درست معرفی شده‌اند.

۱۹۹. **گزینه ۳** «اخلاق‌الاشراف» از عبید زاکانی و «تحفة‌الاحرار» از جامی است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: «دل کندن» کنایه از رها کردن - جناس: میر و پیر، بند و بند / گزینه «۲»: «خار در پا» و «پای در گل» بودن کنایه از گرفتار مشکلات بودن - جناس: دل و گل / گزینه «۴»: «از جنگ نهادن» کنایه از کنار گذاشتن - جناس: جنگ (دست) و جنگ (ساز)

۲۹۹. **گزینه ۲** مفهوم مشترک این گزینه و بیت سؤال: تلاش برای آگاه کردن غفلت‌زدگان **مفهوم سایر گزینه‌ها:** گزینه «۱»: دنیا محل گذراست، دل‌بند (نکوهش دل‌بستن به دنیا). / گزینه «۳»: برتر بودن ممدوح از آصف که وزیر حضرت سلیمان بود. / گزینه «۴»: نکوهش غافلانی که عمر خود را بیهوده هدر داده‌اند.

۳۰۰. **گزینه ۴** مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳»: عاشق از میان نعمت‌های دو جهان تنها معشوق و محبت او را می‌خواهد. مفهوم گزینه «۴»: زیبایی معشوق مانند بهشت بود اما من گرفتار چاه زنخدان او شدم که دوزخ من بود (گرفتار عشق شدن).

۳۰۱. **گزینه ۱** از آرایه‌های پرکاربرد در سبک هندی می‌توان تمثیل و اسلوب معادله را نام برد. این آرایه‌ها به‌جز گزینه «۱» در سایر گزینه‌ها دیده می‌شود.

پایان گل سؤال از شما ویژگی‌های ادبی را خواسته که بررسی کنید اما می‌توانید همزمان ویژگی‌های سطح زبانی و فکری را هم بررسی کنید تا در انتخاب پاسخ درست مطمئن شوید. مثلاً در گزینه‌های «۲»، «۳» و «۴» دقت نظر و مضمون‌سازی شاعر را می‌بینید که از ویژگی‌های فکری سبک هندی است.

۳۰۲. **گزینه ۲** جامی در کتاب «نفحات الانس» به شیوه تذکرة الاولیای عطار نیشابوری به بیان حقایق عرفانی و ذکر احوال عارفان پرداخت.

۳۰۳. **گزینه ۳** «جامع التواریخ» اثری است از خواجه رشیدالدین فضل‌الله از وزرای دوره ایلخانی (نام اثر حمدالله مستوفی «تاریخ گزیده» است).

۳۰۴. **گزینه ۴** «کوتاهی جملات» از ویژگی‌های نثر خراسانی (دوره سامانی) است.

۳۰۵. **گزینه ۱** علاوه بر «مضمون‌یابی» که از مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی دوره هندی است، کاربرد تشبیه و تمثیل، حسن تعلیل و اسلوب معادله در گزینه‌های «۲» و «۳» و کاربرد ردیف‌های طولانی و خوش‌آهنگ در گزینه «۴» از ویژگی‌های سبکی این دوره است. بیت گزینه «۱» از سعدی شیرازی و مربوط به سبک عراقی است.

۳۰۶. **گزینه ۲** بیت «ت» از خاقانی است و فقط نام سراینده این بیت درست آمده؛ خاقانی از شاعران سبک آذربایجانی است.

بررسی سایر ابیات: بیت «الف» از «صائب تبریزی» و مربوط به سبک هندی است (سنایی شاعر دوره غزنوی است). / بیت «ب» از فخرالدین عراقی و به سبک عراقی سروده شده است (نظامی شاعر سبک آذربایجانی است). / بیت «پ» نیز از فرخی سیستانی شاعر دوره غزنوی است (منوچهری نیز از شاعران سبک خراسانی است اما این بیت از او نیست).

۳۰۷. **گزینه ۲** آثاری که نام پدیدآورنده آن‌ها غلط آمده: ۱. «مجالس المؤمنین» از **قاضی نورالله شوشتری**. ۲. «جامع عباسی» از **شیخ بهایی**. ۳. «محاكمة اللغتين» از **امیر علی شیر نوایی**. ۴. «صد بند» از **عبید زاکانی**

پایان گل اشتباه نکنید! تاریخ ادبیات حفظی نمی‌شود. اگر فقط حفظ کرده باشید در دام «متشابهات» که طراح برایتان پهن کرده می‌افتید. مثلاً «عالم‌آرای عباسی» از اسکندر بیگ ترکمان است و طراح «جامع عباسی» را برای او می‌نویسد تا شما را دچار اشتباه کند یا چون «محاكمة اللغتين» در زمان سلطان حسین بایقرا نوشته شده آن را به او نسبت می‌دهد. چاره چیست؟ بین نام آثار و پدیدآورندگان آثار رمز بگذارید (رمز هم که امری شخصی است از ما نخواهد).

۳۰۸. **گزینه ۱** باید رد گزینه کنیم: «عشاق‌نامه» که در صورت سؤال آمده از فخرالدین عراقی است. معادل آن در گزینه «۱» «لمعات» درست آمده؛ اما «جامع‌التواریخ» از رشیدالدین فضل‌الله (رد گزینه «۲»). «تاریخ جهانگشا» از عطاملک جوینی (رد گزینه «۳») و «جمشید و خورشید» از سلمان ساوجی (رد گزینه «۴») است.

۳۰۹. **گزینه ۲** آثار به سبک هندی: ۱. محبوب‌القلوب (میرزا برخوردار فراهی) ۲. بدایع‌الوقایع (واصفی) ۳. عیار دانش ۴. شرفنامه بدلیسی ۵. مجالس‌المؤمنین
آثار به سبک عراقی: ۱. عشاق‌نامه (عراقی) ۲. جمشید و خورشید (ساوجی) ۳. جامع‌التواریخ (رشیدالدین فضل‌الله) ۴. فیه‌ما‌فیه (مولوی) ۵. انوار سهیلی (واعظ کاشفی) ۶. تاریخ‌گزیده (حمدالله مستوفی) ۷. اخلاق‌الاشراف (عبید زاکانی)

۳۱۰. **گزینه ۲** در این گزینه «رنگ زمین» به «رخ من» تشبیه شده و «طبع زمان» به «دم من» اما وجه‌شبه آن‌ها ذکر نشده است.
وجه‌شبه در سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: در پیچ‌وتاب افتادن / گزینه «۳»: ناله داشتن / گزینه «۴»: «مشهور خوبان بودن» و «شب‌نشین بودن»

۳۱۱. **گزینه ۲** در این گزینه «سر» در معنی حقیقی به کار رفته، اما «سر نهادن» کنایه از تسلیم شدن یا جان فدای معشوق کردن است. معنی بیت: اگر یا بر فرقم بگذاری، برای من پاداش قرابت و نزدیکی با توست و جز جان خود چیز دیگری را قابل نمی‌دانم که به‌عنوان «عذر قدم» تقدیم تو نمایم.
مجاز در سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: سر مجاز از اندیشه / گزینه «۳»: سر در مصراع اول مجاز از قصد و اراده و در مصراع دوم مجاز از اندیشه / گزینه «۴»: قصد و اراده

۳۱۲. **گزینه ۴** در این بیت بین «زاغ» و «باغ» جناس ناقص اختلافی هست. همچنین «خال سیاه معشوق که بر عذار اوست» به «زاغی که بر کناره باغی نشسته است» تشبیه شده (تشبیه مرکب) اما استعاره در آن دیده نمی‌شود.

رد سایر گزینه‌ها: در گزینه «۱» «ماه رخشان» استعاره از معشوق است. در گزینه «۲» تشبیه وجود ندارد و در گزینه «۳» جناس وجود ندارد.

۳۱۳. **گزینه ۳** در این گزینه «استعاره» دیده نمی‌شود. «تیغ ستم» اضافه تشبیهی و «پا از گلیم خویش دراز کردن» کنایه از حد خود را ندانستن است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: «صد» مجاز از بسیاری - «باد بيمودن» کنایه از کار بیهوده کردن / گزینه «۲»: «است - دست» جناس ناقص - «خون» مجاز از کشتن / گزینه «۴»: «لعل» استعاره از «لب»، «طوبی» استعاره از «قد» و «سرچشمه کوثر» استعاره از لب - «نقاش - نقش» اشتقاق.

۳۱۴. **گزینه ۱** «سرو روان» استعاره از معشوق - «خون» مجاز از کشتن و «جهان» مجاز از مردم جهان
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۲»: «شکار کردن آهوها» استعاره مکنیه، «شیر» استعاره مصرحه از عاشق و «آهو» استعاره از معشوق («کمند محبت» اضافه تشبیهی است) - مجاز ندارد. / گزینه «۳»: «عشوه فروختن چشم» استعاره مکنیه و «لعل» استعاره از لب - مجاز ندارد. / گزینه «۴»: «زحمت خار را بلبل می‌کشد» استعاره مکنیه، «خار» استعاره از سختی‌ها و مشکلات راه عشق - مجاز ندارد.

نکته تست: اگرچه استعاره مصرحه نوعی مجاز است، اما برخی طراحان محترم آن دو را جدا از هم می‌شمارند.

۳۱۵. **گزینه ۲** در بیت «الف» «آب از سر گذشتن» و در بیت «د» «درفشان بودن» ذکر شده است.
وجه‌شبه‌های محذوف: بیت «الف»: روی چون خورشید «درخشان و زیبا» / بیت «ب»: لب چون شکر «شیرین» - تن همچون شکر در آب «در حال از بین رفتن و آب شدن» / بیت «ج»: آفتاب مانند تو «زیبا»